

Copyright Ezzat Goushegir©
Copyright www.ezzatgoushegir.com©

خاطرات مساجد (46)

پروین کتابی را برایم آورد که لیست اعدامیان در آن نوشته شده بود و در آنجا به اسم (م. ه) که دوست صمیمی دوران دبیرستان اعظم بود، برخوردیم. میدانستم که اگر به اعظم بگویم چقدر برایش این خبر دردناک خواهد بود.

را دیدم. ریتم فیلم، پرداخت، مونتاژ و فیلمبرداری روالی بسیار آرام داشت. Out of Africa شب فیلم اما در زیر این روانی و شفافیت، عشقی پرشور، ملتهب و ناآرام جریان داشت که در ظاهر فیلم به هیچ وجه نشان داده نمیشد. شخصیت اصلی فیلم زنی مبارز و قدرتمند بود. زنی از يك کشور استعمارگر . . . و طبق معمول چهره ي مردم سیاهپوست آفریقا، چهره اي حقیر و ضعیف نشان داده شده بود. فیلم کاملاً از بالا توده زحمتکش مستعمره نشین را ارزیابی میکرد. گویی سلطه گری و زیر سلطه بودن يك امر طبیعی و واجب در نگاه فیلمساز قلمداد میشود. انگار فیلمساز میگفت: "ای مردم تنگدست گرسنه، ما با نشان دادن اندك عاطفه رقیق دستي به سر و گوش شما میکشیم تا شما با دیدن این ملاحظت اندکی، قانع بشوید که ما به فکرتان هم هستیم. و خیال شورش به سرتان نزنند!" هر چند بیننده باکرگی روح مردم آفریقا را با باکرگی طبیعت پیوند میزد. اما عشق مقوله ي دیگری بود، نغز را، تلخی را، کینه را . . . و هر چه چیز نازیبا را به زیبایی تبدیل میکرد. به نرمش، به درك . . . به آرامش . . . به گرمی . . . به لطافت . . . به صلح

ادامه دارد